

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

س. رها
۰۷ می ۲۰۱۴

به یاد و خاطره هموطنان مظلوم

درست به تاریخ اول ماه می ساعت ۱۰:۳۰ صبح به تعداد زیادی از هموطنان رنجبر و زحمت کش ما در قریه آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان قربانی لغزش یک تپه شدند. ولسوالی ارگو که یک ساحه سردسیر بوده، به دلیل برف باری های زیاد زمستانی سرد و یخ زده می شود. اما چون صحرای این ساحات عموماً پوشیده از بته ها و گیاهان صحرایی اند، در زمستان این برف ها کمتر امکان لغزش داشته و همه باقی می مانند تا جو تغییر نموده و برف ها به صورت طبیعی آب شوند. زمانی که هوا گرم و گرم تر شده می رود، این برف ها نیز آب شده و در پشت کوه ها و تپه ها دفن می گردند، آن گاه ساحات نشیب دار بهترین موقعیت را برای لغزش کوه و یا تپه آماده می کنند که همین امکان همه ساله وجود داشته و تقریباً هر سال کوه های زیادی به پائین لغزش نموده و قربانی می گیرند. از آن جایی که پیش آمد چنین حوادث کاملاً عینی و عیان است، فاجایع برخاسته از این حوادث را نمی توان صرفاً طبیعی نامید. چه، این بار اول نیست که امسال ما شاهد لغزش تپه و قربانی شدن بیش از ۲۰۰۰ هموطن زحمت کش خود هستیم.

امسال نیز که این فاجعه هولناک رخ بنمود، دولت مزدور و پوشالی بنابر همان خاصیت غارتگری و دزدی و جنایتش خم به ابرو نیاورده و چنان مست از باده چوروچپاولگری و خیانت است که اصلاً خبر ندارد که چه خبر است. بعد از دو روز، زمانی که سروصداها بلند می شوند، دولت پوشالی و مزدور فقط یک دانه بلدوزر در ساحه روان نموده و بعدها کابینه فاسد و جنایتکارش گویا به سیاحت دره یمگان می روند، یکی یکی با دُهل و سرنی شان به ساحه چکر رفته و طبق معمول می گویند: «ما این حادثه را تقبیح می کنیم»!!

مزدوران عرب و سی. آی. ای که تشنه رسوائی شان هر روز با تجاوز نمودن بالای دخترک های معصوم هشت ساله و نه ساله از بام به زمین می افتد، چی بی شرمانه ادعاء کرده اند که: «جست و جو به خاطر کشیدن انسان ها از زیر آوار خاک بیهوده است، لذا ما یک نماز جنازه عمومی می خوانیم و از شما می خواهیم که این ساحه را قبر دسته جمعی بنامید و دیگر از پالیدن دست بردارید.» زهی بی شرافتی و وحشی گری!

این مزدوران جنایتکار و انسان ستیز بسیار خوب بلدند که چگونه انسان های زیادی را یکباره سربه نیست نموده و فاتحه شان را خوانده بنامند، «گورهای دسته جمعی» تجربه ای است که در کارنامه یکسره سیاه این جنایتکاران به وفور یافت می شود.

رسانه های مزدور و اجیر همه روزه با بوق و سرنا خبر می دهند که دولت به تعداد زیادی خیمه و مواد خوراکی به محل حادثه انتقال داده و حالا افراد باقی مانده از حادثه کاملاً مصون اند!! حال آن که تاهنوز به جز یک مقدار کمک محلی، دگر از غذا در آن ساحه خبری نیست و خیمه نیز که ضرورتش بیشتر از ۱۲۰۰ دانه است، فقط به تعداد ۲۰۰ خیمه آن جا یافت می شود و از این رو، نزدیک به ۶۰۰ خانواده فقیر و بیچاره بدون خیمه و غذا به سر می برند. از کجا خبر که

اگر کم و بیش کمک مردمی از دگر ساحات توسط کارکنان ولایت بدخشان به ساحه روان شده ولی کمک ها همه به انبارهای شخصی وحساب های بانکی دالری سرازیر نشده باشند؟

فاجعه، فاجعه بی نهایت هولناک و خطرناک است، چه تعداد هموطن مظلوم و کارگر ما در زیر آوار خاک و سنگ خوابیده اند، نمی دانیم. اما بدون شک که تعداد شان کمتر از ۲۰۰۰ نفر نیست. باقی مانده های فاجعه در این روزها کاملاً بهت زده، حیران و سرگردان و باشکم خالی و بدون سرپناه به هر سو جیغ می کشند و به سروصورت شان چنگ می اندازند و خواهان کمک های انسانی می شوند، اما مثل این که راست گفته است: «بُز در غم جان کندن و قصاب در فکر چربی»!!

چی آرزویی جز این می توانیم داشته باشیم که در این فاجعه بس المناک با قربانیان باقی مانده غم شریکی کنیم و از تمام انسان دوست های متعهد خواهان کمک به این مردم گردیم؟